

دیدار اعضای کمیته هماهنگی با نمایندگان کارگران کوره‌های آجرپزی (وایقان)

کمیته هماهنگی برای کمک

جمعه بیست دوم شهریور ۱۳۸۷

با پایان یافتن فصل زمستان و سر برآوردن جوانه‌ها از خاک و شکوفه‌های درختان و با فرا رسیدن فصل بهار و شروع سال نو، پر کردن اوقات فراغت و استفاده از طبیعت زیبا و نقاط دیدنی و توریستی، موزه‌ها و تفریحگاهها و لذت بردن از دیدن مناظر بکر طبیعی، شبی آرامیدن در هتلهای با شکوه و مجلل و سر زدن به مناطق مختلف کشور و حتی خارج از کشور، شرکت در اردوهای مختلف تفریحی و استفاده از تمامی و آخرین امکانات و دستاوردهای تفریحی بهداشتی و آسایشی، در لیست برنامه ریزی خانواده‌ها و دیگر گروههای اجتماعی قرار میگیرد. البته نه تمامی خانواده‌ها بلکه استفاده از تمامی امکانات جامعه فقط شامل حال خانواده‌های مخصوص و پردرآمد جامعه میشود این فقط یک روی سکه و روی سفید آن است و اما.....

روی دیگر و سیاه این سکه، داستان پر از درد و رنج و مشقت دهها هزار زن و مرد و کودک نگون بخت و تیره روزی است که برای امرار معاش و کسب درآمدی ناچیز از نقاط مختلف کردستان راهی شهرهایی که کوره‌های آجرپزی در آنجا قرار دارند، میشوند و پنج شش ماه تمام و گاهی بیشتر به شدیدترین شیوه ممکن استثمار میشوند و شیریه جان آنها مکیده میشود تا عده‌ای زانو سفت هر چه بیشتر در آسایش باشند و آجرهای ساخته شده بدست کارگران، برجها و آپارتمانهای آنها را به آسمانها بسایند.

اینان دیگر به فکر سفرهای تفریحی و تفنن و پیک نیک نیستند، به فکر استفاده از چشمه‌های طبیعی آب درمانی و آسودن در ویلاهای مجلل نیستند، شاید در خواب هم، غذاهای تمیز و خوشمزه را نبینند، تمام هم و غم اینان و ملکه ذهنشان تحمل گرمای سوزان و وحشتناکی جهنمی است که سرمایه‌داران برای آنان تدارک دیده‌اند، در این فکرند که نکند امسال یکی از اعضای خانواده‌شان در اثر سوانح محل کار از دست برود، در این فکرند تا جایی که در توان دارند بیشتر کار کنند تا اندک توشه‌ای برای حال و زمستانشان فراهم کنند تا از گرسنگی نمیرند.

اینان دیگر به فکر دیدن موزه‌ها و تفریحگاهها نیستند بلکه به دیدن خمیرهای تنگ و تاریک کوره پزخانه‌ها میروند و شورابه‌های کثیف و غیر بهداشتی کوره پزخانه‌ها انتظارشان را میکشند. ساکنان این روی سکه دیگر در فکر اقامت در هتلهای مجلل نیستند بلکه اتاقکهای کاه‌گلی در انتظار آنها هستند و اینان میروند که نیروی کار خود را به ارزانترین قیمت ممکن به سرمایه‌داران بفروشند و تمام وجود خود را در معرض فشارهای فرسای کاری و شدیداً غیر انسانی قرار دهند و واقعا کار در شرایط سخت و طاقت فرسای کوره پزخانه‌ها جز کارهای سخت و به شدت غیر انسانی به حساب میآید و درجه استثمار در آن در بالاترین مرحله خود قرار دارد.

و اینان به این ترتیب به سوی سرنوشتی مبهم و مخوف با دلی لبریز از درد و با قلبی آکنده از رنج و مرارت، گام برمیدارند و با صدایی لرزان فریاد میزنند: آهای آهای، حراج حراج، و با شنیدن کلمه محبوب و دوست داشتنی حراج، سرمایه‌داران زانو سفت از فرط شادی و هیجان، سرعت ضربان قلب همچو سنگشان زیادتر شده و خالق خود را شکر

گزارند که باز هم نیروی کار حراج شد و ارزش افزوده خودشان بیشتر خواهد شد. آهای گرگهای گرسنه بیابید حراج کرده ام، این مقدار نیروی کاری که دارم میخواهم در قبال مزدی بخور و نمیر بفروش برسانم و شما آنقدر حریص و آزمند و طمعکار هستید که بر سر ارزانتز خریدن نیروی کار ما، ما کارگران و صاحبان تولید نعمت در جامعه را به رقابت انداخته اید و هر کس نیروی کارش را ارزانتز به شما بفروشد، ظاهرا نزد شما محبوبتر است، اما بدانید که درست است ما گرسنه ایم اما بیداریم و از نیات پلید و زشت شما آگاهیم.

شهرستان شبستر واقع در استان آذربایجان شرقی با داشتن تعداد زیادی از کوره های ملی و دستی آجر پزی هر ساله تعداد زیادی از کارگران فصلی شهرهای مختلف کردستان را به سوی خود جذب می کند، بیشتر این کوره ها در مناطق وایگان- دیزج خلیل - اروان گولی و سروان گولی قرار دارند که تعداد آنها در وایگان ۳۳۰ الی ۳۵۰ کوره ی دستی - دیزج خلیل ۶-۵ کوره ی ملی و ۲۰ الی ۳۰ کوره ی دستی- اروان گولی ۳۰ کوره ی دستی است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۱۳۸۷/۴/۲۲